

”امید
اینجا
آرمیده
است“

امیدرضا

امید اینجا آرمیده است

امیدرضا

Omidrezaa [at sign] Yahoo [dot] com

مجموعه شعر

1377- 1388

نشر افرا - ۲۰۰۹

همه ی حقوق این اثر محفوظ و مخصوص ناشر است. این اثر مطابق قوانین بین المللی به ثبت رسیده است و هرگونه تکثیر و چاپ آن به استثنای نقل قول به منظور نقد و بررسی، بدون اجازه ی کتبی ناشر ممنوع است.

سرشار. امیدرضا.
امید اینجا آرمیده است/ امیدرضا سرشار ---- تورنتو: نشر افرا --- ۱۳۸۸-۲۰۰۹
51 ص. ---- (شعر)
کتابخانه ی ملی کانادا - شماره ی ثبت: 1-894256-51-4

امید اینجا آرمیده است

شعر

۱۳۸۸ - ۱۳۸۷

امیدرضا سرشار

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۸، کانادا - نشر افرا

ISBN: 1-894256-51-4

AFRA Publishing Co.

102- 2263 Queen St. East< Toronto, ON. M4E 1G3

AFRA - 2009

فهرست

- ۷ ۲۴ مرداد ۸۶
- ۸ Dates
- ۹ دور/نزدیک
- ۱۰ مجموعه
- ۱۱ Soft kiss
- ۱۲ داغ!
- ۱۳ همخواب
- ۱۴ قانون شکن
- ۱۵ Sex fantasy
- ۱۶ دست‌ها
- ۱۷ دلشوره
- ۱۸ همیشه بهار
- ۱۹ همیشه
- ۲۰ دو ماهی
- ۲۱ اولین آیه
- ۲۲ تمام امشب من
- ۲۳ احیا
- ۲۴ نذر
- ۲۵ رنگین کمون
- ۲۶ دلخوشی
- ۲۷ آرامش
- ۲۸ Tattoo
- ۲۹ آخر عاشقانه‌های عالم
- ۳۰ دوزیست
- ۳۱ Sex fantasy 3
- ۳۲ توهم
- ۳۳ سلام دوباره
- ۳۴ ترانه‌ی تو
- ۳۵ Nipples
- ۳۶ دور مانده‌ام از بار
- ۳۷ شام غریبان
- ۳۸ You
- ۳۹ Away

خط و نشان ۴۰

۲۹ بهمن ۱۳۸۶ ۴۱

Heart sick ۴۲

سد/سیل ۴۳

۲۹ اسفند ۴۴

Candy mix ۴۵

۲ فروردین ۸۷ ۴۶

این را مثل یک دفتر خاطرات بخوانید. یا مثل ستونی از یک مجله‌ی زرد. یا سرودی که شبانی در مرتعی سبز برای گوسفندان می‌خواند... نوشتن، نشان دادن خود است. این خود، دیگر نیست. شاید بلاپی سرش آمده باشد. شاید گم شده باشد. شاید فراموش شده باشد. این نوشته‌ها، بدون این خود، بی نشان است. این را مثل یک نامه‌ی بی‌نشان بخوانید.

۲۴ مرداد ۸۶

ای کاش همه‌ی روزها، ۲۴ مرداد بود!

Dates

دیت اول، سه دقیقه!

دیت دوم، پنج ساعت!

دیت سوم، از پیشم نرو!

دور/نزدیک

راهی نیست

از گونه‌های کال تو

تا لب‌های رسیده‌ی من

مجموعه

من

تو

کوه

،

آسمان

کوه

عینک تو

Soft kiss

بوسیدن لب‌ها

وقت رفتن

تو سایه‌روشن خیابون

مث‌گاز زدن په سیب سرخ بود

بعد از سه روز گرسنگی!

داغ!

- خنده داره!؟

+ اوهوم!

- تو خنده دارش کردی!

همخواب

دیشب

با خیال تو خوابیدم

الان باردارم انگار!

قانون شکن

"قطب‌های ناهمنام هم را جذب می‌کنند؛ قطب‌های همنام هم را دفع می‌کنند."

اگه ما آهنربا بودیم، استتنا می‌شدیم!

Sex fantasy

بخار آب

آب گرم

دو تن داغ

و یک بطری مالشعیر سرد

دست‌ها

بذار دستام تو دستات عرق کنه
این حس چسبناک با هم بودنو دوست دارم

دلشوره

بوق

بوق

بوق

باز هم جوابی نیست

همیشه بهار

هر بار که از عشق می‌نویسم

دست‌هایم بوی برگ شمعدانی می‌گیرد

مثل وقتی که پوست تبادار تو را لمس می‌کنم

روزی که بروم

دست‌هایم را کنار باقی شمعدانی‌های باغچه خواهم کاشت

برای تو

دست‌هایم همیشه سبز خواهند ماند

همیشه

در این آشفتگی

دستم به هیچ جا بند نیست

جز مردانه‌ی تو

دو ماهی

"تولید مثل ماهی‌ها از طریق لقاح خارجی است"

ماهی‌ها

عشق‌بازیشون ختم به بارداری می‌شه

من اما

بارداریم از تو

ختم به عشق‌بازی شد

اولین آیه

((جنات تجری من تحت الانهار))

را بخشیدم

به گوشه‌ی آغوشت، به درستی...

تمام امشب من...

خدا!

احیا

این روزها داریم

چیزی از انحنای بالای دلم

آرام سر می‌خورد

سمت آستان چشمانم

نذر

روزی

روزه می‌گیرم

با شیرینی لبات

تو گفتی

رنگین کمون

این همه رنگ تو اتاق من؟

فکر می‌کردم تنها اینجا با خدا!

دلخوشی

خدا!!

این جاده کی تموم می‌شه؟

آخر این جاده یکی منتظره...

آرامش

۲۷ مهر

شبیه ۲۴ مرداد

من، تو

نیمکت صورتی

نی‌زن دوره‌گرد

یک ساعت زودتر اومدی دانشکده دنبالم

برام گل خریده بودی

بار اول بود

بوسیدمت

چه غافلگیری‌ها که نشدم!

Tattoo

ای کاش جای دندان‌هایت
روی گونه‌هایم ابدی می‌شدند
حضرت عاشق

آخر عاشقانه های عالم

کنار هم قدم می‌زنیم

تو خیابونی که انگار آخر نداره

{ تو میگی }

"کاش آخر این خیابون خونمون بود..."

دوزیست

تازگی برای بوسیدن

نفس کم میارم

به گمونم یکی از آبشش‌هامو گم کردم!

تو ندیدیش؟

Sex fantasy 3

تازه از حموم اومدم

حوله برنداشتم

خیسم

بذار خیسی تنم

با گرمای تنت بخار بشه

شاید یکی دو تیکه از بدنم هم!

من بدون اونا هم کاملم

وقتی تنت به تنم می پیچه

توهم

این همه کیبوی از چیه!؟ من که فقط نوازش نوک انگشتاتو حس کردم!

سلام دوباره

هی آقاهه، تو همون پسری!؟

ترانه‌ی تو

هم‌آغوشی درختان کاج

زیر برف ناگهان

روی شاخه‌ها

آن جای دلم را قلقلک می‌دهد

که برای تو می‌خواند

Nipples

تیزی نوک سینه‌هایت
از پشت آن تی‌شرت سفید با یقه‌ی آبی
که زبری تنت را از من می‌گیرند
وقتی نگاه می‌کنی و لبخند می‌زنی
آی... می‌روند به چشم‌هایم

دور مانده‌ام از یار

چشمانش می‌لرزند

می‌درخشند

انگار آسمان سقوط کرده است در چشمانش

با تمام باران‌هایی که این سال‌ها نیاریده است

با تمام شهاب‌هایی که نیامده‌اند

صدایش

می‌لرزد یخ می‌زند

اندازه ی تمام برف‌هایی که نیاریده است

اندازه ی تمام تگرگ‌هایی که نیسته‌اند

دلش گریه می‌خواهد

از آن‌ها که دل را با خود می‌برد

می‌دهد دستِ یارِ دور

دلش شانه می‌خواهد

که رویینه کند با اشک بسیار

دلش بهم‌خوردگی موها را می‌خواهد با دستان نوازشگرِ او

دلش آغوش ساده‌ی او را می‌خواهد

مثل گهواره‌ی کودکی‌ها

که تاب بخورد بین بازوهای او، آرام

چه کنم که نیستم؟

چه کنم که بودنم، هنوز، همیشه نیست

خدایا، چگونه می‌شود که شانه‌هایم - اکنون - نباشد زیر سرش؟

نیست دستانم لابه لای موهایش

آغوشم خالی است

چشمانم می‌لرزند

صدایم

دل‌م گریه می‌خواهد

شانه، دست، دور است، هنوز، همیشه نیست

شام غریبان

نگاه می‌کنم

به شمع‌هایی که روشن کرده‌ایم

به شعله‌ها که رنگ می‌بازند در باد

به تو

به چشم‌هایت که می‌لرزند

در بستر خیس. کی بود

خدایا!

به من حق بده

تو بگو، امشب

تو را بپرستم یا او را؟

همین یک شب بگذار

او، شریک که نه

جای تو باشد

بگذار امشب او را بپرستم

You

چقدر سخت بود، فهمیدن تو و چه سخت‌تر شده است در این نابه‌سامانی اخیر...

Away

توی خیابونای سنگفرش، می‌تونی با پای برهنه بری تا بررسی به دریا؛ اما... جون ماهی قرمزمون تنها نرو...

خط و نشان

یک بار که دلت خیلی تنگ بود، برایم نوشتی:

"اگه دستم به لبات برسه... "

۲۹ بهمن ۱۲۸۶

می نویسم

دوری

با درد

نه

نمی نویسم جدایی

می نویسی

بگذر

آسوده برو

بی من

هنوز هم

می نویسم

دوری

با عشق

Heart sick

دیروز که دلم را باز شکستی
خیلی دردش آمد!
تکه‌هایش را یواشکی جمع کردم
با خودم آوردم خانه
همه‌شان را ریختم روی تختم
نشستم با آب دهن تکه‌تکه‌هایش را سر هم کردم!
این بار هم تکه‌ی بزرگش نبود
جا مانده بود پیش تو
امروز...
باز هوس کردم
بنشینم زیر طاق ابرویت
زندگی کنم
دوباره عاشقت شدم
فردا، نمی‌دانم...

سد/ سیل

عاقبت

این تنهایی صد ساله

روزی

دور از تو

بند دلم را خواهد بُرد

۲۹ اسفند

آخر اسفند است

آخر زمستان

دارد بهار می‌آید

من دلتنگ پاییزم اما

بوی بهار می‌آید

بوی زمین باران خورده

مثل عطر تن نمناک تو

در عصر دیدار های تابستان آشنایی‌مان...

Candy mix

امروز ظهر

مثل آب نبات گذاشتم ات گوشه‌ی لیم!

چه زود آب شدی...

۲ فروردین ۸۷

خدا حافظ

تمام دلخوشی‌های عالم

نشر افرا منتشر کرده است:

ساسان قهرمان	شعر	سبز
ساسان قهرمان	رمان	گسل
رضا علامهزاده	مقاله	از دور بر آتش
رضا علامهزاده	قصه	راز بزرگ من
شهریار عامری	رمان	گمزادها
به کوشش: بهروز سیمایی - ایرج رحمانی	گزیده سروده‌های شاعران ایرانی در تورنتو	سرودهای جانب آبی
اسماعیل خوبی	شعر	درون دوزخ بیدرکجا
احمد مختاری	مقاله	برگ گفت و شنید
ساسان قهرمان	رمان	کافه رنسانس
مهری یلفانی	قصه	سایه‌ها
ساقی قهرمان	شعر	از دروغ
عاطفه گرگین	شعر	معاشرت آب‌ها
ساسان قهرمان	رمان	گسل - چاپ دوم
حسن زرهی	قصه	کاش ماهی‌ها و شیرماهی‌ها
حسن زرهی	شعر	دهل‌ها و آوازها
صمصام کشفی	شعر	زیر ستاره صبح
اسماعیل خوبی	شعر	غزل‌قصیده من‌های من
هایده مغیثی	مقاله	فمینیسم پوپولیستی و فمینیسم اسلامی
صمصام کشفی	شعر	از سر دیوار
ساسان قهرمان	شعر	رنگ
ساقی قهرمان	شعر	که جنده یعنی جان می‌بخشد به...
ساسان قهرمان	رمان	گسل - چاپ سوم
شهرنوش پارس‌پور	قصه	زنان بدون مردان
ساسان قهرمان	مقاله	نیم نگاه
ایرج رحمانی	رمان	اتفاق
صمصام کشفی	شعر	حالا دوباره صدا
ایرج رحمانی	رمان	اسامه اسامه
ساسان قهرمان	رمان	به بچه‌ها نگفتیم...
ساقی قهرمان	قصه	اما وقتی تنهایی، گاو بودن درد داره
ساقی قهرمان	شعر	ساقی قهرمان. همین!
محمدعلی جمالزاده	مقاله	خلقیات ما ایرانیان
عزیز معتضدی	رمان	شهرزاد
ویرایش: ساسان قهرمان	درسنامه زبان و ادبیات فارسی	زبان ما، از آغاز تا زمان ما
اکبر سردوزامی	قصه	به یاد انگشت‌های نسخه نویسم
اسد مذنبی	طنز	خاطرات من و آقا!
مجید نفیسی	مقاله	من خود ایرانم
نسرین الماسی	قصه	چرا نمی‌پرسی چرا؟
مهدی فلاحتی	گفت و گو با نویسندگان	پنجاه گفت و گو
مهدی فلاحتی	شعر	کویر. پر از ماه
فریده زبرجد	قصه	نبض
اسد مذنبی	طنز	بره‌های بلهوس، چوپان‌های بیسواد

نت‌های متن من
شهر باریک

شعر
قصه

عبدالرضا مقدم
آیدا احدیانی

منتشر می‌شود:

سیرکی که جهان ماست، سیلوانا
بندباز آماتور
صبح بخیر، شب بخیر
هفته روایت مرگ
مورچه پنجمی دروغگو بود
دیدارهای جمعه

قصه
رمان
قصه
شعر
قصه

گزیده شعر و قصه از
نشست‌های ماهانه «کلوپ»
ادبی کافه رنسانس - تورنتو»

کوشیار پارسی
ساسان قهرمان
لیلا طالعی
ساسان قهرمان
ساقی قهرمان
به کوشش: ساسان قهرمان - فواد اویسی

Omid Inja Aramideh Ast

Omid Reza Sarshar

ISBN: 1-894256-51-4

Printed in Canada

Published in Toronto, Canada

AFRA Publishing Co.

102- 2263 Queen St. East, Toronto, ON. M4E 1G3

“Omid
is
resting
here”

omidrezaa

©2009 Omidrezaa [at sign] Yahoo [dot] com

Licensed under Attribution-Noncommercial-No Derivative Works 2.5 Canada